

## نمادگرایی (سمبولیسم)

نهضت نمادگرایی به دنبال طبیعت‌گرایی‌های افراطی مویسان و فلوبر و شاعران مکتب هنر برای هنر، به وجود آمد. نکته‌ی جالب این است که بنیان‌گذار مکتب جدید، شارل بودلر (۱۸۶۸-۱۸۲۱) بود. او خود از طرفداران هنر برای هنر محسوب می‌شد ولی راه تازه‌ای را در پیش گرفت و مکتب جدیدی را بنیان گذاشت. او با دیوان اشعارش با عنوان گل‌های بدی، دنیای شعر را تکان داد. نسلی که در خلال سال‌های ۱۸۵۷ تا ۱۸۸۰ می‌زیست، بودلر را پیشوای مسلّم خود در شیوه‌ی بیان شعر می‌دانست.

سمبولیست‌ها به جای این که نوشته‌هایشان را صریح و روشن ارائه دهند، در پی بیان اندیشه‌ها و عواطف و احساسات مبهم و رازآمیز و بیان ناشدنی بودند. مالارمه می‌گوید: بیان رمز و راز و رؤیا با اشارات غیرمستقیم، نماد را می‌آفریند.

در نظر بودلر، دنیا جنگلی است مالا مال از علایم و اشارات. حقیقت از چشم مردم عادی پنهان است و تنها شاعر با قدرت ادراکی که دارد، به وسیله‌ی تفسیر و تعبیر این علایم می‌تواند آن را احساس کند. عوالم جداگانه‌ای که بر حواس ما تأثیر می‌گذارند، با هم ارتباطات دقیقی دارند که شاعر باید آن‌ها را کشف کند.

بودلر استفاده از زبان نمادین را اساس کار خود قرار داد.

شاید بتوان سمبولیسم را این‌گونه تعریف کرد: سمبولیسم هنر بیان افکار و عواطف نه از راه شرح مستقیم، نه به وسیله‌ی تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آن‌ها و استفاده از نمادهایی بدون توضیح برای

ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده است.

در ادبیات فارسی، ادبیات عرفانی، به ویژه در حوزه‌ی شعر به شیوه‌ی نمادگرایی عمل کرده است.

در این گونه ادبیات، ده‌ها واژه‌ی نمادین وجود دارد که به وسیله‌ی آن‌ها می‌توان به تأویل و تفسیر متون عرفانی پرداخت.

از جمله‌ی این واژه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

رند: نماد انسان کامل

زلف: عالم ماده و کثرات

خال: نقطه‌ی وحدت

فقر: بی‌نیازی از غیر خدا

زاهد: اسلام‌شناس و نه مؤمن و مسلمان، یعنی زاهدفروش

مدعی: عقل، فلسفه

در اشعار نمادین به ویژه اشعار بودلر، تصویرها با همه‌ی تفاوت‌هایی که دارند، دارای نقطه‌ی مشترکی هستند که با استفاده از آن، شعر را می‌توان تفسیر و حتی معنا کرد.

## برخی اصول سمبولیسم

توجه به فلسفه‌ی بدینی که میراث افرادی چون شوپنهاور (۱۸۶۰-۱۷۸۸)، فیلسوف بدین آلمانی است باعث آن می‌شد که هنرمندان سمبولیسم، هیچ چیزی را مناسب‌تر از دکورهای مه‌آلود و مبهمی که تمام خطوط تند و قاطع زندگی در میان آن‌ها محو می‌شود، ندانند. شاعر سمبولیست در محیط ابهام‌آمیز پیرامون خود و در میان رؤیاهایش، تسلیم مالیخولیای خود می‌شد؛ قصرهای کهنه و متروک و شهرهای خراب و آب‌های راکدی که برگ‌های زرد روی آن‌ها را پوشانده است و نور چراغی که در میان ظلمت شب سوسو می‌زند و اشباح روی پرده که تکان می‌خورند و بالاخره سلطنت سکوت و چشمانی که به افق دوخته شده است.

به بیان دیگر، حالت اندوه‌بار و ماتم‌زای طبیعت و مناظر و حوادثی که مایه‌ی یأس و عذاب و نگرانی و ترس انسان می‌شوند، از ویژگی‌های سمبولیسم است.

سمبولیست‌ها تا حدّ امکان از واقعیت‌های عینی دور و به واقعیت‌های ذهنی نزدیک می‌شدند.

همه‌ی این‌ها، جلوه‌هایی از عالم رؤیایی و اسرارآمیزی بود که در اشعار آنان دیده می‌شد. سمبولیست‌ها می‌گفتند: نظریات ما درباره‌ی طبیعت، عبارت از زندگی روحی خود ماست. ماییم که حس می‌کنیم و نقش روح خود ماست که در اشیا منعکس می‌گردد. شایان ذکر است که شاعران سمبولیست مانند «بودلر» و «رمبو» نخستین کسانی بودند که به سوی شعر آزاد رفتند و شعر فرانسوی را از قیدهای وزن و قافیه‌ی سنتی رها کردند و شکل شعر منثور را به کار گرفتند.

سمبولیسم در قرن بیستم پایان نگرفت و همگام با مکاتب قرن بیستم به راه خود ادامه داد. شاید این بدان جهت بود که واقعیت‌های هولناک قرن بیستم با جنگ جهانی و پیامدهای ناگوار آن انسان رنج دیده‌ی این قرن را وادار کرد تا از واقعیت به تخیل پناه ببرد. بنابراین، سمبولیسم در قرن بیستم نیز به کار خود ادامه داد.

### برخی از بزرگان مکتب سمبولیسم

شارل پیر بودلر (۱۸۶۷-۱۸۲۱)، شاعر، منتقد و مترجم فرانسوی؛ او پس از مرگ پدر همواره در مضیقه بود و زندگی تلخی داشت. اثر مشهور بودلر گل‌های بدی است. وی مترجم آثار ادگار آلن پو به زبان فرانسه است.

به دلیل نوگرایی‌های بودلر در ادبیات، گروهی از نقادان، او را به حق یکی از چهره‌های مهم نوگرایی (مدرنیسم) در ادبیات می‌دانند.

ژان آرتور رمبو (۱۸۹۱-۱۸۵۴) شاعر فرانسوی و از پیشروان سمبولیسم است. دفترهای مشهور شعر او اشراق و فصلی در دوزخ نام دارند.

استفان مالارمه<sup>۱</sup> (۱۸۹۸-۱۸۴۲) از شاعران سمبولیست فرانسه است. وی موجزگو بود و در آثارش ابهام شعری فراوان دیده می‌شود. مالارمه در پی آن بود تا شعر را از بند امور مادی و محسوس برهاند.

---

۱) Stephane Mallarme'

مهم‌ترین دفترهای شعر او بعد از ظهر یک فون<sup>۱</sup> و نظم و نثر است. ازرا پاوند<sup>۲</sup> (۱۸۸۵-۱۹۷۲) یکی از درخشان‌ترین چهره‌های ادبیات جدید جهان است. او اهل انگلستان بود که به علت نفرت از جنگ و نارضایی از اوضاع انگلستان، این کشور را برای همیشه ترک کرد و به فرانسه و ایتالیا رفت. ازرا پاوند از پیشگامان نهضت تصویرگرایی<sup>۳</sup> در انگلستان بود.

او یکی از بانفوذترین شاعران سده‌ی بیستم است که تأثیری شگرف بر شعر جدید داشته است. سروده‌های او متأثر از شعر یونان باستان، اشعار شرقی و شیوه‌ی پرداخت سمبولیست‌ها بوده است. شخصیت‌ها، ضربات متقابل و اثر حماسی سرودها از جمله‌ی مجموعه اشعار اوست. مقالات و نوشته‌های پاوند در نقد ادبی معاصر جایگاه ویژه‌ای دارند. ادگار آلن پو (۱۸۴۹-۱۸۰۹) آمریکایی، سراینده‌ی اشعار نمادین و رمانتیک و نویسنده‌ی خیال‌پرداز و جنایی نویس و منتقدی برجسته؛ نخستین مجموعه‌ی اشعار او با نام تیمور لنگ در سال ۱۸۲۷ منتشر شد. مشهورترین شعر «پو» کلاغ نام دارد که بیانگر اندوه شاعر در مرگ زنی زیباست. داستان‌های کوتاه او عموماً پلیسی، وحشتناک و غیرمترقبه است. مشهورترین این داستان‌ها عبارت‌اند از: جنایت در کوی غسل‌خانه، نامه‌ی دزدیده شده، سوسک طلایی، سایه. درباره‌ی شخصیت ادگار آلن پو، ضد و نقیض‌ترین داوری‌ها را کرده‌اند و این به جهت زوایای مختلفی است که در ذهن شاعرانه‌ی او وجود داشته است. بودلر می‌گوید: پو، فرشته‌ای هبوط کرده بود که بهشت را به یاد داشت. دیگری او را مردی جفجغه فروش می‌دانست که جفجغه‌اش را به صدا درآورده بود و صدای آن را شعر می‌نامید.

ویلیام باتلر بیتس شاعر توانای انگلیسی او را، بی‌هیچ تردید بزرگ‌ترین شاعر آمریکایی می‌دانست.

هنرمندی دیگر او را شصت درصد نابغه و چهل درصد متقلب قلمداد می‌کرد. تی. اس. الیوت شاعر بزرگ معاصر انگلیسی نوشته‌های ادگار آلن پو را نوشتار شلخته می‌خواند.

---

(۱) فون: الهه‌ی نگهبان کشتزارها

(۲) Ezra {Loomis} Pound

(۳) Imagism

## پیروان سمبولیسم در قرن بیستم

بزرگ‌ترین نویسنده‌ای که تأثیر سمبولیسم - آن هم در خالص‌ترین شکلش - در آثار او دیده می‌شود، مارسل پروست<sup>۱</sup> (۱۸۷۱-۱۹۲۲) است. هر چند که تعبیر رمان نمادگرایانه هیچ‌گاه نزد تاریخ ادبیات نگاران، اقبال‌چندانی نداشته است. پروست از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۲ رمان بزرگ در جست‌وجوی زمان از دست رفته را نوشت که بر پایه‌ی زندگی خود اوست. همچنان که از عنوان این کتاب برمی‌آید، هدف نویسنده رخنه به فراسوی واقعیت و جست‌وجوی جهانی آرمانی است. از نظر او واقعیت راستین درهم آمیختن حال و گذشته است.

نمادگرایی فرانسه در آلمان نیز سخت تأثیرگذار بود. دو شاعر برجسته‌ی اوایل قرن بیستم آلمان راینر ماریا ریلکه<sup>۲</sup> (۱۸۷۵-۱۹۲۶) و استفان گئورگ<sup>۳</sup> (۱۸۶۸-۱۹۳۳) از سمبولیست‌های فرانسه تأثیر پذیرفتند.

ریلکه، با ترجمه‌ی گورستان‌های دریایی، سروده‌ی پل والرئ، نمادگرای فرانسوی تحت تأثیر او قرار گرفت.

استفان گئورگ در جست‌وجوی حیاتی معنوی بود و در آخرین دهه‌ی قرن نوزدهم، در پاریس اقامت داشت و مالاومه را از نزدیک دید و سخت تحت تأثیر او قرار گرفت.

---

۱) Marcel Proust

۲) Rainer Maria Rilke

۳) Stefan George



## منظومه‌ی کلاغ

یک‌بار، در نیمشب‌ی ظلمانی و وحشت‌آور، هنگامی که خسته و ناتوان کتابی عجیب و مرموز را از اسرار یک علم فراموش شده می‌خواندم و از فرط خستگی چرت زنان سر خم کرده و نزدیک به خفتن بودم، ناگهان صدایی شنیدم. مثل این بود که کسی آهسته انگشت بر در اتاق من می‌زد. زیر لب گفتم: لابد دیدارکننده‌ای به در می‌کوبد. فقط همین است و چیزی بیش از این نیست.

خوب یادم می‌آمد که ماه یخ‌زده‌ی دسامبر بود و هر شعله‌ای که در بخاری برمی‌خاست، سایه‌ی خود را آشکارا در کف اتاق می‌گسترانید. با اشتیاق فراوان در انتظار صبح بودم؛ زیرا هر قدر از کتاب‌هایم خواسته بودم که مرا لحظه‌ای از غم مرگ «لنور» آزاد کنند، یارای این کار را نیافته و نتوانسته بودند مرا از یاد آن دخترک زیبا و بی‌نظیر – که اکنون فرشتگان او را «لنور» می‌خوانند اما خودش دیگر هرگز در این دنیا نامی نخواهد داشت – بیرون برند. صدای غم‌انگیز و مبهم خش‌خش پرده‌های ابریشمین ارغوانی در اتاق، مرا بی‌اختیار می‌لرزانید و دلم را از وحشتی مرموز – که تا آن لحظه نظیرش را احساس نکرده بودم – آکنده می‌کرد. چنان وحشت زده بودم که برای تسکین تپش قلب خویش از جا برخاستم و دوباره گفتم: «دیدارکننده‌ای است که برای ورود به اتاق من انگشت بر در می‌زند. همین

است و چیزی بیش از این نیست».

لختی چند این فکر روح مرا آرام کرد. تردید را کنار گذاشتم و گفتم: «آقا یا خانم، خواهش می‌کنم مرا ببخشید. علت تأخیر این بود که داشتم چرت می‌زدم و شما هم به قدری آهسته و ملایم به در اتاق من کوفتید که تا مدتی مطمئن نبودم که صدای در را شنیده‌ام». آن وقت در را چهارطاق گشودم اما در بیرون، فقط تاریکی شب بود و هیچ چیز جز آن نبود. مدتی دراز نگاه نافذ خود را به اعماق ظلمت دوختم و بی حرکت بر جای ماندم. با تعجب و بیم و تردید فراوان به رؤیاهای عجیبی فرو رفتم که تا به امروز هیچ انسانی هرگز جرئت اندیشیدن بدان‌ها را نیافته است. اما خاموشی هم چنان ادامه داشت و سکوت عمیق شب به هم نخورد. تنها صدایی که از این خاموشی و سکون برخاست، کلمه‌ی «لنور» بود که آهسته از میان دو لب من بیرون آمد و انعکاس صدایم دوباره زمزمه کنان نام «لنور» را به گوش من رساند. همین بود و چیزی بیش از این نبود.

با روحی آشفته به اتاق بازگشتم اما اندکی بعد، دوباره صدایی بلندتر از بار نخستین شنیدم. با خود گفتم: یقیناً، «یقیناً کسی پشت پنجره‌ی اتاق ایستاده است. ببینیم کیست و این راز را آشکار کنیم. اندکی درنگ کنیم تا قلب من آرام شود و آن وقت در پی کشف این راز برآییم. قطعاً باد است که چنین می‌وزد ... چیزی جز این نیست».

پنجره را گشودم؛ ناگهان دیدم کلاغی که گویی از کلاغان ایام مقدس کهن بود، بال‌ها را بر هم سایید و وارد اتاق شد. به من کم‌ترین احترامی نگذاشت و حتی لحظه‌ای نایستاد و درنگ نکرد، اما با وقاری نظیر وقار آقاها و خانم‌های اشرافی بالای در اتاق من، روی مجسمه‌ی «پالاس» — که درست بالای در نهاده شده بود — نشست. نشست و جای خود را مرتب کرد و هیچ کاری غیر از این نکرد.

دیدار این پرنده‌ی آبنوسی و متانت و وقاری که با حال جدی به قیافه‌ی خود می‌داد، دل افسرده‌ی مرا به خنده واداشت. بدو گفتم: «با آن که مویی بر سر و تاجی بر آن نداری، یقیناً حيله‌گر نیستی. ای کلاغ شوم که از دنیای کهن آمده‌ای تا در کرانه‌های مرموز شب سرگردان شوی، بگو نام اشرافی تو در دیار افلاطونی شب چیست؟» کلاغ به من گفت: «هرگز».

کلاغ که تنها روی مجسمه‌ی خاموش نشسته بود، جز این یک کلمه هیچ نگفت. گویی همه‌ی روح خود را در این یک کلمه جا داده بود. هیچ‌یک از پره‌های بال خود را تکان

نداد و آن قدر خاموش نشست که آخر سکوت را شکستم و زیر لب گفتم: «بسیاری از دوستان من از برم رفتند. فردا، این دوست نیمشب نیز چون امیدهای از دست رفته‌ی من از پیشم خواهد رفت». آن وقت پرنده دوباره به صدا درآمد و گفت: «هرگز».

سکوتی که دوباره به دنبال این پاسخ حکم فرما شد، مرا ناراحت کرد. گفتم: «لابد تمام علم و اطلاع او محدود به همین یک کلمه است.» شاید این کلمه را نزد استادی بد اقبال فرا گرفته که بر اثر فشار روزافزون غم‌ها و رنج‌های زندگی، کلیه‌ی شعرهایش همین یک ترجیع‌بند را پیدا کرده است. همین یک ترجیع‌بند غم‌انگیز را که سرود مرگ و آرزوی اوست: «هرگز! هرگز!».

آن وقت ناگهان به نظرم رسید که ارواحی ناپیدا، آهسته روی فرش ضخیم اتاق من راه می‌روند و مجمرهایی نامریی بر دست دارند که از آن‌ها دودی عطرآگین برمی‌خیزد و هوای اتاق را غلیظ می‌کند. به خود گفتم: «ای تیره روز، خدای تو با دست فرشتگان خویش برای تو آرامش روح فرستاده. داروی فراموشی فرستاده تا آن را بیاشامی و خاطره‌ی لنور از دست رفته را از یاد ببری!» اما کلاغ باز فریاد زد: «هرگز».

گفتم: «ای قاصد، ای مظهر بدبختی، خواه پرنده باشی و خواه شیطان، خواه از جانب فریب دهنده‌ی بزرگ بدین جا روانه شده باشی و خواه طوفانی سهمگین تو را بدین کرانه‌ی دورافتاده، بدین سرزمین خاموشی جادو شده، بدین خانه‌ی آکنده از کابوس و وحشت افکنده باشد، خواهش می‌کنم صمیمانه به من بگو: آیا مرهمی برای التیام زخم دل من وجود دارد؟» کلاغ گفت: «نه، هرگز».

گفتم: «ای قاصد، ای مظهر بدبختی که خواه پرنده باشی و خواه شیطان، تو را بدان آسمان که بالای سر ما گسترده شده، بدان خدا که ما هر دو پرستش می‌کنیم، به روح پر از غم و نومیدی من بگو، آیا در بهشت دور دست، این روح افسرده خواهد توانست دوشیزه‌ای مقدس را که در دنیای فرشتگان «لنور» نام دارد، بیابد؟» کلاغ گفت: «هرگز!»

خشمگین از جای جستم و فریاد زدم: «خواه پرنده باشی و خواه شیطان، این گفته‌ی تو فرمان جدایی ما بود. زود به میان طوفان بازگرد. به ساحل افلاطونی شب بازگرد و در اتاق من هیچ پر سیاهی به یاد دروغی که گفتم، بر جای مگذار. از روی این مجسمه که بالای



در اتاق من است برخیز و تنهایی مرا بر هم مزن». کلاغ گفت: «هرگز»!

هنوز کلاغ، بی حرکت و آرام هم چنان روی مجسمه‌ی پریده رنگ پالاس در بالای در اتاق من نشسته است. چشمان او درست حالت چشمان شیطانی را دارد که به رؤیا فرو رفته باشد و نور چراغ که بدو می تابد، سایه‌ی او را بر کف اتاق می گستراند... و من حس می کنم که از این پس، دیگر روح من از این سایه که در کف اتاق می لرزد جدا نخواهد شد. هرگز از این حد بالاتر نخواهد رفت! هرگز بالاتر نخواهد رفت!

سروده‌ی: ادگار آلن پو

## خودآزمایی‌های نمونه

- ۱) شارل بودلر، جهان را چگونه می بیند؟
- ۲) چه کسی را می توان بنیان گذار نمادگرایی در فرانسه دانست؟
- ۳) از نمادگرایی چه تعریفی می توان به دست داد؟
- ۴) در چه بخشی از ادبیات فارسی، بیش تر می توان نمادگرایی را مشاهده کرد؟
- ۵) در اشعار نمادگرایانه، تصویرهای شعری در ارتباط با یک دیگر چگونه اند؟
- ۶) چرا افرادی چون شوپنهاور، را مؤثر بر نمادگرایی می دانند؟
- ۷) آیا می توانید سلطنت سکوت را در مکتب نمادگرایی توضیح دهید؟
- ۸) نمادگرایان در حوزه‌ی شعر چه تحوّل مهمی ایجاد کردند؟
- ۹) نام صاحب این آثار را معرفی کنید: گل های بدی، فصلی در دوزخ، بعد از ظهر یک فون، سوسک طلایی.

- ۱۰) در منظومه‌ی کلاغ، سروده‌ی ادگار آلن پو، عناصر نمادگرایی را پیدا کنید.
- ۱۱) در منظومه‌ی کلاغ، کلاغ نماد چه عنصری می تواند باشد؟
- ۱۲) فضا سازی های کلاغ، را با یک اثر ایرانی مقایسه کنید.
- ۱۳) مارسل پروست در رمان در جست و جوی زمان از دست رفته، چه هدفی را دنبال می کند؟

## منابع و مأخذ تکمیلی بخش تاریخ ادبیات ایران

- الف) مأخذ کلی پیرامون ادبیات پیش از اسلام و آغاز زبان فارسی دری  
(۱) آذرنوش، آذرتاش: راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان تازی (پیش از اسلام)، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۴.
- (۲) اورانسکی، ای. م. مقدمه فقه اللغه‌ی ایرانی، ترجمه‌ی کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۸.
- (۳) - : پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرن اول هجری، ترجمه‌ای آهنگین از دو جزو قرآن مجید، به اهتمام و تصحیح دکتر احمدعلی رجایی بخارایی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۳.
- (۴) تاوادیا، ج. : زبان و ادبیات پهلوی، فارسی میانه، ترجمه‌ی س. نجم‌آبادی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۵.
- (۵) ناتل خانلری، پرویز : تاریخ زبان فارسی، جلد اول، چاپ ششم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۴؛ جلد دوم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۳.
- (۶) ناتل خانلری، پرویز: زبان‌شناسی و زبان فارسی، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۶.
- (۷) زرین کوب، عبدالحسین : تاریخ مردم ایران، ایران قبل از اسلام، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸.
- (۸) سامی، علی : «ادبیات و شعر و تاریخ‌نویسی در عصر ساسانی»، هنر و مردم، ش هشتاد و سوم (شهریور ۱۳۴۸) ص ۱۹-۱۴.
- (۹) سمیعی، احمد : ادبیات ساسانی، دانشگاه آزاد ایران، تهران، ۱۳۵۵.
- (۱۰) صادقی، علی اشرف : تکوین زبان فارسی، دانشگاه آزاد ایران، تهران، ۱۳۵۷.
- (۱۱) محمدی، محمد : ادب و اخلاق در ایران پیش از اسلام، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۵۲.
- (۱۲) - : فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۶.

## ب) مآخذ کلی تاریخ و ادبیات بعد از اسلام

- ۱) آراین پور، یحیی: از صبا تا نیما، چاپ ۲، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۱.
- ۲) اسلامی ندوشن، محمدعلی: جام جهان بین، در زمینه نقد ادبی و ادبیات تطبیقی، چاپ چهارم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۵.
- ۳) براون، ادوارد: تاریخ ادبی ایران، ترجمه‌ی علی پاشا صالح، جلد اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
- ۴) —: از سعدی تا جامی، ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت، کتابخانه ابن سینا، تهران، ۱۳۳۹.
- ۵) —: تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، ترجمه و حواشی به قلم فتح‌الله مجتبیایی، انتشارات مروارید، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۱.
- ۶) بهار، محمدتقی (ملک الشعرا): سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی، ج ۳، کتاب‌های پرستو، تهران، ۱۳۴۹.
- ۷) خطیبی، حسین: فنّ نثر در ادب پارسی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات زوّار، تهران، ۱۳۶۶.
- ۸) دیوان بیگی شیرازی، سید احمد: حدیقه الشعرا (ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه) با تصحیح و تکمیل و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات زرّین، تهران، ۱۳۶۴-۶۶، ج ۳.
- ۹) زرّین کوب، عبدالحسین: با کاروان خُله، مجموعه‌ی نقد ادبی، چاپ پنجم، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۲.
- ۱۰) —: تاریخ مردم ایران، از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه، جلد دوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۱) —: سیری در شعر فارسی، بحثی انتقادی در شعر فارسی و تحوّل آن با نمونه‌هایی از شعر شاعران و جست‌وجویی در اقوال ادبا و تذکره‌نویسان، چاپ اول، مؤسسه انتشارات نوین، تهران، ۱۳۶۳.

- ۱۲) شفیع کدکنی، محمدرضا: صور خیال در شعر فارسی، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۸.
- ۱۳) شمیسا، سیروس: سیر غزل در شعر فارسی، چاپ دوم، انتشارات ایران و اسلام، تهران، ۱۳۶۲.
- ۱۴) صبور، داریوش: آفاق غزل فارسی، انتشارات پدیده، تهران، ۱۳۵۵.
- ۱۵) صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، چاپ چهارم، انتشارات ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۲، ج ۲، ابن‌سینا، چاپ سوم، تهران، ۱۳۳۹، ج ۳ و ۴، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۱-۵۶، ج ۵ و بخش اول شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۲، جلد ۵ (بخش دوم و سوم) انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۶۲-۷۰.
- ۱۶) -: تاریخ علوم و ادبیات ایرانی، چاپ اول، انتشارات ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۷.
- ۱۷) -: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، مجلد اول، چاپ چهارم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
- ۱۸) -: گنج سخن، شاعران پارسی‌گوی و منتخب آثار آنان، ج ۳-۱، ابن‌سینا، تهران، بی‌تا.
- ۱۹) -: گنجینه سخن، پارسی‌نویسان بزرگ و منتخب آثار آنان، ج ۶، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۲۰) عوفی، سدیدالدین محمد: لباب‌الالباب، به تصحیح ادوارد براون و علامه قزوینی، به کوشش و تعلیقات سعید نفیسی، ابن‌سینا، تهران، ۱۳۳۵.
- ۲۱) فروزان‌فر، بدیع‌الزمان: سخن و سخنوران، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۰.
- ۲۲) کشاورز، کریم (گردآورنده): هزار سال نثر فارسی، سازمان کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۴۵-۶، ج ۳-۱.
- ۲۳) محبوب، محمدجعفر: سبک خراسانی در شعر فارسی، بررسی مختصات سبکی شعر فارسی از آغاز ظهور تا پایان قرن پنجم هجری، انتشارات سازمان تربیت معلّم و تحقیقات تربیتی، تهران، ۱۳۴۵.

۲۴) مطهری، مرتضی: خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۹.

۲۵) نعمانی، شبلی: شعرالعجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران، ترجمه فخر داعی گیلانی، چاپ ۲، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳.

۲۶) یوسفی، غلامحسین: چشمه روشن، دیدار با شاعران، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۹.

۲۷) دیداری با اهل قلم (درباره بیست کتاب نثر فارسی)، ۲ جلد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۵-۵۸.

### ج) منابع و مآخذ درباره‌ی برخی از شاعران و نویسندگان و آثار آن‌ها

۱) خاقانی: دشتی، علی: شاعری دیرآشنا، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۰.

۲) خیام: جعفری، محمد تقی: تحلیل شخصیت و افکار خیام، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۵.

۳) دشتی، علی: دمی با خیام، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.

۴) کمیسیون ملی یونسکو در ایران: ذکر جمیل سعدی، ۳ جلد، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی هشتادمین سال بزرگداشت سعدی، وزارت ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات، تهران، ۱۳۶۴.

۵) عطار: فروزانفر، بدیع‌الزمان: شرح احوال و نقد آثار عطار نیشابوری، تهران، ۱۳۴۰.

۶) منزوی، علی نقی: سیمرغ و سی مرغ، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۵۹.

۷) نفیسی، سعید: جست‌وجو در احوال و آثار شیخ عطار نیشابوری، تهران، ۱۳۲۰.

۸) عین‌القضات: فرمنش، رحیم، احوال و آثار عین‌القضات همدانی، انتشارات ابن‌سینا، تهران، ۱۳۳۸.

۹) فرّخی سیستانی: یوسفی، غلامحسین: فرّخی سیستانی، بحثی در شرح احوال و

روزگار و شعر او، کتاب‌فروشی باستان، مشهد، ۱۳۴۱.

۱۰) فردوسی: اسلامی‌ندوشن، محمدعلی: زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه،

چاپ چهارم، انتشارات یزدان، تهران، ۱۳۶۳.

- (۱۱) رستگار، منصور: تصویر آفرینی در شاهنامه فردوسی، بررسی و نقد تشبیهات و استعارات در شاهنامه، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۵۳.
- (۱۲) مینوی، مجتبی: فردوسی و شعر او، دهخدا، تهران، ۱۳۵۴.
- (۱۳) کسایی: درخشان، مهدی: اشعار حکیم کسایی مروزی و تحقیقی در زندگی و آثار او: انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۴. ریاحی، محمد امین: کسایی مروزی، زندگی، اندیشه و شعر او، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۷.
- (۱۴) کلپله و دمنه: محبوب، محمد جعفر: درباره کلپله و دمنه، تاریخچه و ترجمه‌ها، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۳۶.
- (۱۵) مولوی: دشتی، علی: سیری در دیوان شمس، جاویدان، تهران، ۱۳۴۷.
- زرین کوب، عبدالحسین: بحر در کوزه، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۶.
- (۱۶) - : پله پله تا ملاقات خدا، زرین کوب، عبدالحسین، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۰.
- (۱۷) - : سرنی، زرین کوب، عبدالحسین، ۲ جلد، چاپ اول، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۴.
- (۱۸) شیمل، آن ماری: شکوه شمس، ترجمه‌ی حسن لاهوتی، با مقدمه‌ی سید جلال الدین آشتیانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.
- (۱۹) عبدالحکیم، خلیفه: عرفان مولوی، ترجمه‌ی احمد محمدی، احمد میرعلایی، کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۶.
- (۲۰) فروزانفر، بدیع‌الزمان: زندگانی مولانا جلال‌الدین، تهران، ۱۳۱۵.
- (۲۱) گول‌پینارلی، عبدالباقی: مولانا جلال‌الدین، ترجمه‌ی توفیق سبحانی، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳.
- (۲۲) مبشری، اسدالله: چنگ مثنوی، انتشارات عطایی، تهران، ۱۳۶۲.
- (۲۳) مصفا، محمد جعفر: با پیر بلخ، بی‌نا، مشهد، ۱۳۶۴.
- (۲۴) ناصر خسرو: برتلس. آ. ی: ناصر خسرو و اسماعیلیان، ترجمه‌ی یحیی آرین‌پور، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، شماره ۳۴، تهران، ۱۳۴۶.

- (۲۵) دشتی، علی: تصویری از ناصر خسرو، به کوشش مهدی ماحوزی، چاپ اول، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۲.
- (۲۶) نظامی گنجوی: زنجانی، برات: احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸.
- (۲۷) - پیدایش رمان فارسی. کریستف بالایی. مترجمان: دکتر نسربین خطاط و مهوش قویمی، انتشارات معین و انجمن ایران شناسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

## د) تاریخ ادبیات جهان

- (۱) اسماعیل پور، ابوالقاسم: شاعران و نویسندگان آمریکای لاتین، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۹.
- (۲) اکو، اومبرتو: نام گل سرخ، ترجمه‌ی شهرام طاهری، نشر شبابویز، چاپ پنجم، ۱۳۶۸.
- (۳) البوت، تی. اس: سرزمین بی حاصل، ترجمه‌ی حسن شهباز، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۵.
- (۴) اسلینو، راجر: ادگار آلن پو، ترجمه‌ی خشایار دیلمی، نشر کهکشان، ۱۳۷۳.
- (۵) بارت، ویلیام: اگزیستانسیالیسم چیست؟ ترجمه‌ی منصور مشکین پوش، آگاه، ۱۳۶۲.
- (۶) برگ، استروم / بوادفر، سترلینگ: نقدی بر زندگی و آثار آلبر کامو، ترجمه‌ی ضیاءالدین هاجری، نشر کویر، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- (۷) بیگزبی، سی. و. ای: دادا و سوررئالیسم، ترجمه‌ی حسن افشار، نشر مرکز، ۱۳۷۶.
- (۸) پارسا، خسرو: پسامدرنیسم در بوت‌ه‌ی نقد (مجموعه‌ی مقالات)، نشر آگه، ۱۳۷۵.
- (۹) پاشایی، ع (به‌عنوان ویراستار): فرهنگ اندیشه‌ی نو، انتشارات مازیار، ۱۳۶۹.
- (۱۰) پرستلی، جی. بی: سیری در ادبیات غرب، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- (۱۱) تراویک، باکتر: تاریخ ادبیات جهان، ترجمه‌ی عربعلی رضایی، نشر فروزان، ۱۳۷۶.
- (۱۲) جنکز، چارلز: پست مدرنیسم چیست؟ ترجمه‌ی فرهاد مرتضایی، نشر مردنیز، ۱۳۷۵.
- (۱۳) چدویک، چارلز: سمبولیزم، ترجمه‌ی مهدی سجایی، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- (۱۴) خلیج، منصور: درام نویسان جهان، نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- (۱۵) دورانت، ویل: تاریخ تمدن، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۲.

- ۱۶) دورانت، ویل و آریل : تفسیرهای زندگی، ترجمه‌ی ابراهیم مشعری، نیلوفر، ۱۳۶۹.
- ۱۷) رحیمی، مصطفی : اگزستانسیالیسم، انتشارات مروارید، ۱۳۵۴.
- ۱۸) رهنما، تورج : ادبیات امروز آلمان، نشر چشمه، ۱۳۷۵.
- ۱۹) ساچکوف، بوریس : تاریخ رئالیسم، ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی، نشر تندر، ۱۳۶۲.
- ۲۰) سارتر، ژان پل : ادبیات چیست؟ ترجمه‌ی ابوالحسن نجفی، کتاب زمان، ۱۳۵۶.
- ۲۱) سارتر، ژان پل : اگزستانسیالیسم و اصالت بشر، ترجمه‌ی مصطفی رحیمی.
- ۲۲) سکران، دومینیک : کلاسی‌سیزم، ترجمه‌ی حسن افشار، نشر مرکز، ۱۳۷۵.
- ۲۳) سلیمان، خالد ا. : فلسطین و شعر معاصر عرب، ترجمه‌ی شهره باقری، عبدالحسین فرزاد، نشر چشمه، ۱۳۷۶.
- ۲۴) سیدحسینی، رضا : مکتب‌های ادبی، نشر کتاب زمان، ۱۳۵۸.
- ۲۵) شاملو، احمد : همچون کوچی بی‌انتهای (مجموعه‌ای از اشعار شاعران بزرگ جهان)، نشر نگاه و نشر زمانه، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- ۲۶) فرزاد، عبدالحسین : درباره‌ی نقد ادبی، نشر قطره، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۲۷) فورست، لیلیان : رمانتیسم، ترجمه‌ی مسعود جعفری، نشر مرکز، ۱۳۷۵.
- ۲۸) فورست، لیلیان : ناتورالیسم، ترجمه‌ی حسن افشار، نشر مرکز، ۱۳۷۶.
- ۲۹) قبانی، نزار : داستان من و شعر، ترجمه‌ی دکتر غلامحسین یوسفی و یوسف بگار، توس، ۱۳۵۶.
- ۳۰) قبانی، نزار : شعر، زن و انقلاب، ترجمه‌ی عبدالحسین فرزاد، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۳۱) قره‌باغی، علی اصغر : تبارشناسی پست مدرنیسم، مجله‌ی گلستانه، تیر ۱۳۷۸.
- ۳۲) کرنستن، موریس : ژان پل سارتر، ترجمه‌ی منوچهر بزرگمهر، خوارزمی، ۱۳۵۴.
- ۳۳) گرانت، دیمان : رئالیسم، ترجمه‌ی حسن افشار، نشر مرکز، ۱۳۵۷.
- ۳۴) گلدمن، لوسین : فلسفه‌ی روشنگری، ترجمه‌ی شیوا کاویانی، نشر فکر روز، ۱۳۷۵.

